

تمایل امریکا به اغراض دوباره پایگاه نظامی « بگرام » در افغانستان



مقدمه : پایگاه هوایی بگرام در ولایت پروان افغانستان بیش از دو دهه به عنوان قلب تپنده عملیات نظامی ایالات متحده و ناتو در جنگ افغانستان عمل می‌کرد. از این پایگاه، هزاران حمله هوایی علیه طالبان، القاعده و بعدها داعش بخش خراسان انجام شد. بگرام که یکی از قطب‌های کلیدی نظامی امریکا در طول اشغال ۲۰ ساله افغانستان، به دلیل موقعیت مکانی نزدیک به چین و اهمیت تاریخی، از اهمیت ژئوپلیتیکی برای امریکایی‌ها برخوردار بود.

پس از خروج شتاب زده امریکا در اگست سال ۲۰۲۱ میلادی، بگرام به نمادی از پایان «جنگ بی‌پایان» واشنگتن تبدیل شد. اما اکنون، با سخنان دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا درباره بازپس‌گیری این پایگاه، بحثی تازه بر سر احتمال «بازگشت امریکا» به افغانستان شعله ور شده است.

دونالد ترامپ روز پنجشنبه ۲۷ سنبله ۱۴۰۴ مطابق ۱۸ سپتمبر ۲۰۲۵ میلادی در کنار کی یر استارمر، نخست وزیر بریتانیا، صحبت می‌کرد، اظهار داشت که دولت او در حال مذاکره با طالبان است تا نیروهای آمریکایی بار دیگر این پایگاه خارج از کابل را اشغال کنند، پایگاهی که در سال ۲۰۲۱ اندکی قبل از بازپس‌گیری کنترل افغانستان توسط طالبان، رها شده بود.

دونالد ترامپ در سفرش به لندن، پایگاه بگرام را دارای موقعیتی راهبردی نزدیک به چین دانست، و به خبرنگاران گفت: «می‌خواهیم آن پایگاه را بازپس بگیریم». و علاوه داشت: «این پایگاه فقط یک ساعت با جایی که چین سلاح‌های هسته‌ای خود را می‌سازد فاصله دارد». قابل ذکر است که پس‌گیری این پایگاه و هر تلاشی در این زمینه یک مأموریت بزرگ خواهد بود که به اعزام ده‌ها هزار سرباز برای تصرف و نگهداری آن، و مصارف سنگین برای بازسازی و عملیات لوژستیک پیچیده برای تأمین این پایگاه که در صورت بازپس‌گیری به یک جزیره منزوی امریکا در کشوری بدون دسترسی به دریا بدل خواهد شد و نزدیکی آن به چین که ترامپ آن را مزیت می‌داند، برتری خاصی ایجاد نمی‌کند و خطرات این اقدام بر مزایای آن غلبه دارد.

چرا بگرام از نظر امریکایی‌ها مهم است ؟

۱- **موقعیت استراتژیک:** بگرام موقعیت کلیدی در شمال کابل و دسترسی به مسیرهای شمال افغانستان دارد. امریکا همواره علاقه‌مند بوده کنترل نقاط استراتژیک را در منطقه حفظ کند، حتی پس از خروج رسمی.

۲- **نگرانی امنیتی و اطلاعاتی:** احتمال دارد واشنگتن به دنبال جمع‌آوری اطلاعات یا ایجاد پایگاهی برای نظارت بر فعالیت‌های منطقه‌ای، به ویژه طالبان و گروه‌های دیگر، باشد.

۳- **تلاش برای نفوذ در معادلات افغانستان:** بازگشت به بگرام می‌تواند به امریکا امتیازی در مذاکرات با کشورهای منطقه بدهد یا به منزله فشار بر طالبان برای رعایت تعهدات بین‌المللی باشد.

نقش طالبان در تصمیم‌گیری امریکا چیست ؟

طالبان هنوز به صورت کامل مشروعیت بین‌المللی ندارند و بازگشت امریکا می‌تواند اعتبار آن‌ها را در داخل تضعیف کند، اگر چه طالبان به رغم کنترل اکثر قلمروها، هنوز با فشارهای بین‌المللی و چالش‌های داخلی روبروست. آن‌ها در وضعیت واقعی "قدرت مطلق" برای تصمیم‌گیری مستقل درباره حضور نظامی یک کشور خارجی نیستند، ممکن است فشارهای داخلی از سوی گروه‌های مقاومت یا اقلیت‌ها افزایش یابد و باعث بروز ناآرامی شود زیرا هر تصمیمی درباره بازگشت امریکا نیازمند تعامل با طالبان است، اما این تعامل بیشتر جنبه چانه زنی و فشار دارد تا اختیار کامل.

پیامدهای داخلی و بین‌المللی این بازگشت چیست ؟

۱- برای افغانستان: بازگشت احتمالی امریکا می‌تواند به نارضایتی داخلی و فشار بر طالبان منجر شود، به ویژه اگر جامعه افغانستان آن را دخالت مستقیم خارجی بداند.

۲- برای منطقه: کشورهای همسایه (پاکستان، ایران، چین، روسیه) وضعیت را با حساسیت دنبال می‌کنند و ممکن است واکنش‌های دیپلماتیک و امنیتی نشان دهند.

۳- هم پیمان‌های امریکا: اینبار مانند ۱۱ سپتمبر امریکا را حمایت نخواهد کردند به نسبت مصارف بالا و جنگ‌های خانمانسوز تلفات بی‌ثمر انسانی که در افغانستان و عراق و سایر جاهای دیگر متقبل شدند و نیز مصارف و تجهیزات اوکراین روی شانه هایشان سنگینی دارد.

در یک جمع بندی میتوان گفت : این اظهارات ترامپ بیشتر نشان‌دهنده تمایل و برنامه ریزی احتمالی است تا تصمیم نهایی اما واقعیت این است که طالبان هنوز در جایگاهی نیستند که بتوانند به طور مستقل درباره مسائل کلان ملی و حضور نظامی خارجی تصمیم بگیرند؛ هر توافق یا مذاکره‌ای، تحت فشار منطقه‌ای و بین‌المللی است بنابراین، امریکا بیشتر دنبال ایجاد اهرم فشار و فرصت اطلاعاتی است تا بازگشت کامل به شکل پیشین و در صورت حضور نظامی خارجی می‌تواند گروه‌های جهادی و تروریستی را تحریک کند و احتمال افزایش حملات داخلی و تهدید به امنیت مناطق استراتژیک دست بالا را رویش میدهد. خلاصه حضور امریکا می‌تواند به شکل محدود سرمایه‌گذاری یا کمک‌های اقتصادی را تحریک کند، اما در عین حال وابستگی اقتصادی و فشارهای سیاسی بیشتر خواهد شد.

۴- نقش بازیگران منطقه‌ای

الف - روسیه :

روسیه به شدت به ثبات افغانستان علاقه مند است و حضور امریکا را تهدیدی برای نفوذ خود در آسیای مرکزی می‌بیند، احتمال دارد فشار دیپلماتیک، حمایت از طالبان یا حتی تقویت شبکه‌های اطلاعاتی خود در منطقه را افزایش دهد.

ب - چین :

وزارت امور خارجه چین روز جمعه در واکنش به سخنان اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، درباره بازگرداندن نیروهای امریکایی به افغانستان، بر احترام پکن به حاکمیت و استقلال این کشور تأکید کرد و هشدار داد که افزایش تنش‌ها و ایجاد درگیری در منطقه هیچ گونه حمایتی نخواهد داشت.

سخنگوی وزارت خارجه چین، لین جیان، در یک نشست خبری گفت: «چین استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی افغانستان را محترم می‌شمارد و بر این باور است که آینده و سرنوشت افغانستان باید در دست مردم این کشور باشد.» او افزود: «دامن زدن به تنش‌ها و ایجاد رویارویی در منطقه اقدامی است که با خواست ملت‌ها مغایرت دارد.»

چین بیشتر نگران امنیت مرزهای غربی خود و فعالیت گروه‌های تروریستی و قاچاق است. هرگونه بازگشت آمریکا ممکن است باعث فشار چین برای توافق با طالبان و تضمین امنیت پروژه‌های اقتصادی‌اش (به ویژه مسیرهای کمربند- راه) شود.

ج - ایران:

ایران منافع متناقضی دارد، از یک طرف حضور آمریکا را در همسایگی خود تهدید می‌داند، و از طرف دیگر ممکن است به دنبال تضمین نفوذ و محافظت از اقلیت‌های شیعه افغانستان باشد. ایران احتمالاً به شکل سیاسی و اطلاعاتی واکنش نشان خواهد داد

د - پاکستان:

پاکستان بازیگر کلیدی است که همواره در مذاکرات با طالبان و آمریکا نقش داشته است، بازگشت آمریکا می‌تواند رابطه پاکستان و طالبان را تحت فشار قرار دهد و پاکستان به دنبال حفظ جایگاه استراتژیک خود خواهد بود.

نتیجه در پیامد و توازن قدرت منطقه‌ای

- بازگشت آمریکا می‌تواند رقابت با روسیه و چین را تشدید کند و افغانستان به صحنه‌ای برای نفوذ قدرت‌های بزرگ تبدیل شود
- ریسک حوادث جهانی مشابه گذشته مثلاً اگر شرایط امنیتی و سیاسی به شکل کنونی باقی بماند، افغانستان ممکن است دوباره به میدان بازی قدرت‌های خارجی و بحران‌های منطقه‌ای تبدیل شود.
- احتمال وقوع حوادث تروریستی یا تنش‌های منطقه‌ای که پیامد جهانی داشته باشد، وجود دارد، اما به صورت مستقیم جنگ گسترده جهانی بعید است.
- طالبان هنوز قدرت واقعی تصمیم‌گیری مستقل را ندارند و هر توافقی با آمریکا تحت فشار منطقه‌ای خواهد بود.
- بازگشت آمریکا بیشتر جنبه اطلاعاتی و استراتژیک دارد تا حضور کامل و دائمی.
- روسیه، چین، ایران و پاکستان هر یک با رویکرد خاص خود واکنش نشان می‌دهند و این باعث پیچیده تر شدن معادلات می‌شود.
- افغانستان همچنان ممکن است میدان رقابت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی باشد، اما احتمال وقوع یک بحران جهانی مشابه جنگ‌های گذشته بسیار کمتر است؛ بیشتر به بحران‌های منطقه‌ای و امنیتی محدود خواهد شد.

با تقدیم مهر : سراج ادیب